

حقیقت چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

بدون این که وارد بحث‌های پیچیده فلسفی شویم، بهترین جواب این است که هر چیزی که با واقعیت مطابقت داشته باشد؛ حقیقت است. توجه کنید واقعیت چیزی است که عینیت و وجود دارد؛ یعنی زاییده تخیلات ذهن انسان نیست. کل جهان هستی شامل زمان، فضا، ماده، انرژی و قوانین حاکم بر آن‌ها جزئی از این واقعیت است. دقت کنید هیچ انسانی در جهان قادر به درک کامل و صد در صد واقعیت نیست؛ در واقع فقط خدایی که جهان مادی و غیرمادی را خلق کرده است، قادر است واقعیت‌ها را آنگونه که هستند درک کند. ولی همین خدا انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که واقعیت‌های جهان مادی را با دقت بالا بتواند درک و ارزیابی کند برای مثال دانشمندان ناسا که متشکل از افرادی با فرهنگ‌ها، ملیت‌ها، زبان‌ها و باورهای مختلف هستند موفق می‌شوند، فضایی را بر روی کره مریخ در فاصله چند میلیون کیلومتری زمین در نقطه‌ای از پیش تعیین شده فرود آورند و تحقیقات علمی انجام دهند، که ثابت می‌کند درک انسان از واقعیت تا چه حد دقیق است. بنابراین انسان قادر است در چهارچوب محدودیت‌هایی که خدا برای او قائل شده است، دانش را کشف و درک کند و همین برای شناخت وجود خدا و جهان هستی کافی است.

ویژگی‌های حقیقت

۱- مهمترین ویژگی حقیقت مطلق بودن آن است (همانند ارزشهای اخلاقی). به عبارت دیگر حقیقت بستگی به زمان مکان و شخص ندارد. مثلاً گزاره <الان خورشید در آسمان می‌درخشد> چون با واقعیت مطابقت دارد، حقیقتی را بیان می‌دارد؛ این گزاره برای همه، در هر وقت و همه جا صادق است. حتی اگر نصف کره زمین هنگام شب این خورشید را نبینند و یا شخصی نابینا توانایی دیدن آن را نداشته باشد و یا اینکه حتی صدها میلیون سال دیگر این خورشید تبدیل به یک سیاهچاله شود، همچنان این گزاره درست است. ۲- همه حقایق، حقایق خدا

هستند. همانطور که قبلا متذکر شدیم فقط و فقط خدا قادر است همه واقعیت‌ها را به طور کامل و آنگونه که هستند، درک کند؛ زیرا خدا آنها را خلق کرده است. بنابراین خدا سرچشمه و منبع حقیقت است. حتی حقایق تاریخی و یا حقایق کم اهمیت نیز شامل این موضوع می‌شوند. مثلا گزاره > فرهاد ساعت ۸ صبح در فلان تاریخ پشت میز مشغول تایپ مطلبی بود.< اگر با واقعیت مطابقت داشته باشد حقیقتی را بیان می‌کند و مطلق است. ۳- حقایق مرتبط با جهان هستی کشف می‌شوند و انسان‌ها آن‌ها را ابداع نمی‌کنند. به عبارتی مستقل از دانش انسان هستند. مثلا گرانش یا نیروی جاذبه قبل از این که نیوتون آن را کشف کند، وجود داشت. (حقایق ریاضی و منطق را می‌توان در این مقوله جای داد.) ۴- مستقل از اینکه انسان‌ها به حقیقتی باور داشته باشند یا خیر، از درست بودن آن حقیقت ذره‌ای نمی‌کاهد. در زمانهای بسیار قدیم، اکثر مردم معتقد بودند که زمین مسطح است؛ ولی این باور از حقیقت <کره زمین> چیزی را نمی‌کاست. ۵- حقایق مطلقا با زمان تغییر نمی‌کنند؛ هرچند باورها و اعتقادات انسان‌ها نسبت به این حقایق، در طول تاریخ تغییر کنند. مثلا گزاره <حقیقت مطلق است.> هرگز با زمان تغییر نمی‌کند؛ حتی اگر در دوران کنونی (پسا مدرن postmodern) بسیاری معتقد باشند که حقیقت نسبی است! ۶- حقیقت بستگی به رفتار و زندگی فردی که آن را می‌گوید، ندارد. مثلا اگر یک متخصص ریه به بیماری توصیه کند که سیگار نکشد چونکه سیگار کشیدن خطر سرطان ریه را چندین برابر افزایش می‌دهد؛ این گزاره منهای اینکه آن متخصص خودش سیگاری باشد یا خیر، همچنان درست است. همانگونه که تاکید کردیم حقیقت مطلق است و ربطی به زمان، مکان و شخص ندارد. ۷- هر گزاره متناقض با حقیقت، نادرست و دروغ است. مثلا اگر گزاره <خدا وجود دارد.> درست باشد گزاره <خدا وجود ندارد.> کاملا دروغ است. دقت کنید در دنیایی که زندگی میکنیم متاسفانه باورها و اعتقادات متضاد و متناقض بسیاری وجود دارد، ولی با این وجود حقایق متضاد و متناقض نمی‌توانند وجود داشته باشند. ۸- در آخر حقیقت بسیار انحصاری و باریک بینانه (exclusive and narrow) است. مثلا گزاره درست <تهران پایتخت ایران است.> بدین معنی است که اصفهان، شیراز،

پاریس، لوس آنجلس و هزاران شهر دیگر پایتخت ایران نیستند. این که حقیقت بسیار انحصاری و باریک بینانه است باعث می شود که حقیقت بسیار تلخ باشد!!